

۱- بیت کدام گزینه از نظر حس و حال فضای عاطفی با دیگر ابیات متفاوت است؟

- ۱) بیایید بیایید که گلزار دمیده‌ست / بیایید بیایید که دلدار رسیده‌ست
- ۲) گفتم مگر به گریه دلش مهربان کنم / چون سخت بود در دل سنگش اثر نکرد
- ۳) دیدی که یار جز سر جور و ستم نداشت / بشکست عهد و غم ما هیچ غم نداشت
- ۴) اشک من رنگ شفق یافت ز بی‌مهری یار / طالع بی‌شفقت بین که در این کار چه کرد

۲- در کدام بیت شاعر از تکرار منظم موسیقی بهره نبرده است؟

- ۱) به ترانه‌های شیرین به بهانه‌های زرین / بکشید سوی خانه مه خوب خوش‌لقا را
- ۲) دیدار یار غایب دانی چه ذوق دارد / ابری که در بیابان بر تشنه‌ای ببارد
- ۳) برفت یار بی‌وفا و شد چنین / سرای او خراب، چون وفای او
- ۴) عجیبت اگر توانم که سفر کنم ز دستت / به کجا رود کبوتر که اسیر باز باشد

۳- وزن بیت کدام گزینه با بیت زیر یکسان نیست؟

«سپاس و آفرین آن پادشا را / که گیتی را پدید آورد و ما را»

- ۱) به نام آن که هستی نام ازو یافت / فلک جنبش زمین آرام ازو یافت
- ۲) چو شه در عدل خود نمود سستی / پدید آمد جهان را تندرستی
- ۳) به گفتار دهقان کنون بازگرد / نگر تا چه گوید سراینده مرد
- ۴) شب و روز انتظار یار می‌داشت / امید وعده دیدار می‌داشت

۴- همه گزینه‌ها به جز گزینه درست هستند.

- ۱) اساسی‌ترین عامل پیدایی شعر عاطفه است.
- ۲) شاعر برای انتقال عاطفه خود از وزن و آهنگ کمک می‌گیرد.
- ۳) وزن و آهنگ به انتقال بهتر احساس و عاطفه کمک می‌کند.
- ۴) پس از عاطفه مهم‌ترین و مؤثرترین عامل، «وزن» است.

۵- توضیحات مقابل بیت درست است؟

- ۱) ز خواب، نرگس مست تو سرگران برخاست / خروش و ولوله از جان عاشقان برخاست: در این بیت واج‌آرایی صامت وجود دارد. وزن و آهنگ این بیت شاد و ضربی نیست.
- ۲) یک قصه بیش نیست غم عشق وین عجب / کز هر زبان که می‌شنوم نامکرر است: تعجب از کار عشق نمود عاطفی این بیت است. در این بیت واج‌آرایی مصوت وجود دارد.
- ۳) کامم از تلخی غم چون زهر گشت / بانگ نوش شادخواران یاد باد: در این بیت واج‌آرایی صامت و مصوت به کار رفته است. وزن این بیت و نیز محتوای آن به گونه‌ای است که غم و اندوه را به خواننده منتقل می‌کند.
- ۴) جان بی‌جمال جانان میل جهان ندارد / هرکس که این ندارد حقا که آن ندارد: در این بیت واج‌آرایی صامت و مصوت به کار رفته است. شاعر در این بیت از تکرار منظم موسیقی استفاده نکرده است.

۶- در میان ابیات زیر چند مورد دارای «واج‌آرایی» و چند مورد دارای «واژه‌آرایی» هستند؟

- الف) دلم جز مهر مهرویان طریقی بر نمی‌گیرد / ز هر در می‌دهم پندش ولیکن در نمی‌گیرد
- ب) فغان کاین لولیان شوخ شیرین‌کار شهر آشوب / چنان بردند صبر از دل که ترکان یغما را
- ج) اگر مراد تو ای دوست بی‌مرادی ماست / مراد خویش دگر باره من نخواهم خواست
- د) سرمست در آمد از درم دوست / لب خنده‌زنان چو غنچه در پوست

ه) به روی خوبان گفתי نظر خطا باشد / خطا نباشد دیگر مگو چنین که خطاست

و) بگذار دستت راز دستم را بداند / بی هیچ پروایی که دست عشق با ماست

- ۱) دو - چهار (۲) سه - سه (۳) چهار - دو (۴) دو - سه

۷- همه گزینه‌ها دارای واج‌آرایی هستند به جز

- ۱) بر حسرت شاخ گل در باغ گوا شد / بیچارگی و زردی و کوژی و نوانیش
- ۲) ماییم و می و مطرب و این کنج خراب / جان و دل و جام و جامه پر دزد شراب
- ۳) چون نیست زهرچه هست جز باد به دست / چون هست به هرچه هست نقصان و شکست
- ۴) ای چرخ فلک خرابی از کینه تست / بیدادگری شیوه دیرینه تست

۸- کدام یک از گزینه‌های زیر شعر قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هجری است؟

- ۱) به بال و پر مرو از ره که تیر پرتابی / هوا گرفت زمانی ولی به خاک نشست
- ۲) چرخ بزرگوار یکی لشکری بکرد / لشکرش ابر تیره و باد صبا نقیب (رهبر و پیشرو)
- ۳) گر جان بدهد سنگ سیاه لعل نگردد / با طینت اصلی چه کند بدگهر افتاد
- ۴) به ادب نافه‌گشایی کن از آن زلف سیاه / جای دل‌های عزیز است به هم برمنش

۹- چند بیت از ابیات زیر دارای ویژگی‌های شعر در قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم هستند؟

- الف) ور همی آتش فروزد در دل من، گو فروز / شمع را چون بر فروزی روشنی پیدا کند
- ب) من و تو غافلیم و ماه و خورشید / بر این گردون گردان نیست غافل
- ج) ز گردان گزین کرد پنجه هزار / همه رزم‌جویان سازنده کار
- د) همه کارم ز خود کامی به بدنایم کشید آخر / نهان کی ماند آن رازی کز او سازند محفل‌ها
- ه) نام تو محمود به حق کرده‌اند / نام چنین باید با فعل راست

- ۱) دو (۲) سه (۳) چهار (۴) یک

۱۰- با توجه به ویژگی‌های نثر در عهد سامانی، کدام گزینه جزو نثر این دوره محسوب می‌شود؟

- ۱) و دیگر آن بود کاین زبان پارسی از قدیم باز دانستند از روزگار آدم تا روزگار اسمعیل پیامبر (ع)، همه پیغامبران و ملوکان زمین به پارسی سخن گفتندی، و اول کس که سخن گفت به زبان تازی اسمعیل پیامبر (ع) بود.
- ۲) اغلب دوستی و دشمنی‌گی قایم و ثابت نباشد و هرآینه بعضی به حوادث روزگار استحالت پذیرد و مثال آن چون ابر بهاریست که گاه می‌بارد و گاه آفتاب می‌تابد و آن را دوامی و ثباتی صورت نبندد. سحابه صیف لیس یرجی دوامها.
- ۳) هیچ کس از یافتن حسنات و ادراک سعادات از دو تن محروم‌تر نباشد: اول آن که بر کسی اعتماد نکند و به گفتار خردمندان ثقت او مستحکم نشود، دیگر آن که دیگران از قبول روایت و تصدیق شهادت او امتناع نمایند و در آن چه خردمندان را جواب نبود و من در عهد وفای خود می‌آیم و می‌گویم: اگر یگانه شوی با تو دل یگانه کنم / ز عشق و مهر دگر دلبران کرانه کنم.
- ۴) بازرگانی را هزار دینار خسارت افتاد. پسر را گفت نباید که این سخن با کسی در میان نهی. گفت ای پدر فرمان تو راست، نگویم ولیکن خواهم مرا بر فایده این مطلع گردانی که مصلحت در نهان داشتن چیست؟ گفت تا مصیبت دو نشود: یکی نقصان مایه و دیگر شماتت همسایه. مگوی انده خویش با دشمنان / که لاجول گویند شادی‌کنان.

۱۱- کدام یک از گزینه‌های زیر ترجمه «تاریخ الرسل و الملوک» است؟

- ۱) اما آن چه پرسیدند که صفت خدای خویش ما را بگوی که چون است. پیغامبر «علیه‌السلام» گفت که خدای من بی‌چون و بی‌چگونه است، و چونی او را نتوان گفت زیرا که هیچ چیز بدو نماند.
- ۲) چون لهراسب به ملک نشست و تاج بر سر نهاد و بر تخت بنشست، و تختی بود از زر و گوهرها در او نشانده و چهارپایه او از یاقوت. و نشست خویش به بلخ اختیار کرد و او را بلخ‌الحسنا نام کرد. و سپاه بگزید هرچه از ایشان مردانه‌تر.
- ۳) و بدان که علم بسیار است و عمر کوتاه، و آموختن جمله علوم بر مردم فریضه نه، چون علم نجوم و طب و علم حساب و صنعت‌های بدیع و آنچه بدین ماند.
- ۴) شنیدم که خسرو را فرزندی دل‌بند جان و پیوند دل بود، ناگاهش از کنار او در ربودند و تندباد اجل آن شکوفه شاخ امانی را پیش از موسم جوانی در خاک ریخت.

۱۲- همه گزینه‌ها به جز گزینه درست هستند.

- ۱) زبان فارسی باستان در دوره هخامنشیان (۵۵۹ تا ۳۳۴ ق.م.) رایج بود.
- ۲) زبان‌های ایرانی میانه، به دو گروه زبان‌های «پارتی» و «پهلوی» تقسیم می‌شوند.
- ۳) زبان پارتی، در دوره اشکانیان رایج بود و تا اوایل دوره ساسانی نیز آثاری به این زبان، تألیف می‌شده است. این زبان در شمال و شمال شرقی ایران متداول بوده است.
- ۴) زبان پهلوی، زبان رسمی دوران ساسانی بود. از آن جا که این زبان، اساساً به ناحیه پارس تعلق داشته است و در مرحله‌ای میان فارسی باستان و فارسی نو (دری) قرار دارد، آن را «فارسی میانه» نامیده‌اند.

۱۳- کدام گزینه جاهای خالی عبارتهای زیر را به درستی کامل می‌کند؟

- الف) آثاری که به زبان تألیف شده، بیشتر آثار دینی زردشتی است.
- ب) آثار ادبی منثور و منظوم این زبان، از میان رفته است، ولی ترجمه عربی و فارسی بعضی از آن‌ها مانند و در دست است که آن‌ها هم دچار تغییرات فراوان شده‌اند.
- ج) اشعار کمی به زبان پهلوی در دست است. بعضی از قطعات، بازمانده اشعار تعلیمی و اخلاقی‌اند. این قطعات شعری در میان اندرزنامه‌های منثور جای دارند؛ مانند منظومه که هر دو اصل پارتی دارند.

- ۱) پارتی - یادگاران زریران و کلیله و دمنه - درخت آسوریک
- ۲) پهلوی - یادگاران زریران - کلیله و دمنه
- ۳) پهلوی - کلیله و دمنه و هزار و یک شب - درخت آسوریک
- ۴) پارتی - کلیله و دمنه و هزار و یک شب - یادگاران زریران

۱۴- کدام گزینه در مورد «فارسی دری» درست است؟

- ۱) منطقه رواج فارسی دری، نخست در غرب و شمال غربی ایران بود.
- ۲) «دری» زبان درباری سامانیان، زبان محاوره و مکاتبه مقامات دولتی است.
- ۳) پس از برافتادن ساسانیان، سامانیان نخستین دولت اسلامی ایران بودند. ادبیات فارسی دری هم به مفهوم واقعی خود، تقریباً هم‌زمان با این دولت پدید آمد.
- ۴) یکی از نتایج نفوذ اسلام در ایران، رواج تدریجی خط عربی بود. زبان فارسی با کنار گذاشتن برخی از صداهای زبان عربی، الفبای آن را پذیرفت.

۱۵- هر کدام از توضیحات زیر مربوط به کدام دوره از تاریخ یا تاریخ ادبیات ایران است؟

- الف) پادشاه این دوره برای ایجاد حکومت و دولت مستقل ایرانی و برانداختن یا تضعیف حکومت بغداد دست به کار شد تا عظمت و اقتدار ایران را به آن بازگرداند.
- ب) این دوره، دوران غلبه، رواج، حفظ و ارائه آداب و رسوم ملی بود. پایه حماسه‌های ملی به زبان فارسی در این قرن گذاشته شد.
- ج) در این دوره شعر مدحی یا مدیحه‌سرایی نیز که از آغاز ادب فارسی به پیروی از شعر عربی معمول گشت، با شاعران بزرگ درباری و مدح پادشاهان و رجال دربار جایگاه خود را پیدا کرد.

- ۱) آغاز قرن سوم (پادشاهی یعقوب لیث صفاری) - قرن چهارم هجری - قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم
- ۲) سه قرن اول هجری (پادشاهی عمرو لیث صفاری) - قرن چهارم هجری - نیمه اول قرن پنجم
- ۳) آغاز قرن سوم (پادشاهی عمرو لیث صفاری) - قرن چهارم و نیمه اول قرن پنجم - قرن چهارم هجری
- ۴) سه قرن اول هجری (پادشاهی یعقوب لیث صفاری) - نیمه اول قرن پنجم - نیمه اول قرن چهارم